

نوشته: عزت‌الله مجددی‌نسب

حق «وتو» امتیاز یا عامل سلطه؟

مقدمه:

برای اکثر مردم جهان که آشنائی کاملی با نهاد «وتو» در منشور ملل متحد ندارند همیشه این سؤال مطرح بوده است که چرا پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت (ایالات متحده آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین) باید از چنین امتیازی برخوردار باشند و در عمل از این امتیاز ویژه به عنوان عاملی برای سلطه بر سایر کشورها استفاده نمایند؟ به هنگام طرح مسائل مهم بین‌المللی در شورای امنیت (در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) اعضای دائمی شورای امنیت به کرات برای حفظ منافع خود و هم‌پیمانان خود از این حربه برنده استفاده کرده‌اند. استفاده از این حق ویژه جنبه حق بودن آنرا زیر سؤال برده است، چرا که با استفاده از وتو، کشورهای جهان سوم در بازی بین قدرتهای بزرگ زیانهای جبران‌ناپذیری را تحمل نموده و درآینده نیز مانعی جهت وارد آوردن فشار بر این کشورهای مظلوم وجود ندارد.

وجود این حق ویژه، لزوم بررسی و مطالعه در اطراف آنرا ایجاب می‌نماید.

در این مقاله سعی شده است تا به گوشه‌هایی از این نهاد که منشور ملل متحد آنرا ابداع نموده است اشاره شود.

۱- حق «وتو» چیست؟

بند ۳ از ماده ۲۷ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد:

«تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر مسائل با رأی مثبت نه عضو که شامل آراء تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد. به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود. طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید.»^(۱) «بند يك همین ماده اشعار میدارد هر عضو شورای امنیت دارای يك رأی می‌باشد و بند ۲ اعلام میدارد: تصمیمات شورای امنیت راجع به مسائل مربوط به آئین کار با رأی نه عضو اتخاذ می‌شود.

بر اساس بند ۳ از ماده ۲۷ منشور ملل متحد هیچ تصمیم ماهوی را نمی‌توان بدون توافق پنج عضو دائمی شورای امنیت اتخاذ نمود، به عبارت دیگر توافق این پنج عضو خواه رأی مثبت دهند یا رأی ممتنع الزامی است مگر اینکه از حق وتو استفاده کنند.

موضوع حق وتو برای اولین بار در کنفرانس یالتا^(۲) از طرف روزولت

(۱) - فصل ششم منشور ملل متحد از ماده ۲۳ الی ۲۸ در مورد تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات می‌باشد. ماده ۵۲ منشور نیز در مورد قراردادهای و مؤسسات منطقه‌ای است که برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی منعقد و تأسیس می‌شوند. منشور ملل متحد نه تنها مانع وجود این قراردادهای و مؤسسات نشده است بلکه کشورها را به انعقاد چنین قراردادهای و تشکیل این مؤسسات تشویق می‌نماید. در بند ۲ ماده ۵۲ منشور ذکر شده است: «شورای امنیت توسعه تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات محلی را از طریق چنین قراردادهای یا مؤسسات منطقه‌ای چه به ابتکار کشورهای ذینفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید.»

(۲) - کنفرانس یالتا - این کنفرانس در فوریه ۱۹۴۵ در شبه جزیره کریمه بین سران آمریکا، شوروی و انگلستان بمدت يك هفته تشکیل شد و مسائل عمده مورد بحث بین روزولت، چرچیل و استالین در خصوص سرزشت آلمان پس از جنگ و نیز نحوه رأی‌گیری و اتخاذ تصمیم در شورای امنیت بود.

رئیس‌جمهور آمریکا پیشنهاد شد و مورد قبول رهبران اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان قرار گرفت. این قدرتها معتقد بودند بعنوان کشورهای ضامن صلح و امنیت بین‌المللی باید نظراتشان در مسائل مهم و حاد که در شورای امنیت مطرح می‌شود مورد توجه قرار گیرد و هیچیک از تصمیماتی که توسط شورای امنیت اتخاذ می‌گردد، نباید به این کشورها تحمیل گردد.

به عبارت دیگر این کشورها برای جهان پس از جنگ دوم جهانی برنامه‌ریزی نموده و این امتیاز ویژه را برای خود و سپس فرانسه و چین در نظر گرفتند. شاید در بادی امر چنین بنظر برسد که هدف آنها از پیش‌بینی چنین امری این بوده است که تا توافق پنج کشور بزرگ پس از جنگ برای حل يك معضل بین‌المللی وجود نداشته باشد مشکل ایجاد شده قابل حل نخواهد بود ولی در عمل وجود این نهاد خود باعث بروز مشکلات فراوانی در جهان گردید. هرگاه مسئله‌ای در شورای امنیت مطرح گردیده که به نحوی با منافع یکی از قدرتهای بزرگ یا هم‌پیمانان آنها در تضاد بوده است نماینده آن کشور در استفاده از این حق هیچ تردیدی بخود راه نداده است.

«آنچه در منشور ملل متحد در مورد حق وتوی اعضای دائمی شورای امنیت پیش‌بینی گردید، در واقع بدعتی نسبت به جامعه ملل محسوب می‌گردید، زیرا در جامعه ملل کشورهای عضو به لحاظ وجوب تصمیم‌گیری‌ها براساس اجماع (۱) عملاً از حق وتو برخوردار بودند. ماده پنج میثاق مقرر می‌دارد: (تصمیمات در هر يك از جلسات مجمع و یا شورا به موافقت کلیه اعضای جامعه حاضر نیاز دارد). با وصف فوق تدوین‌کنندگان منشور ملل متحد در پی مدتی بررسی

(۱) - اجماع یا کنسانسوس آئینی است در دیپلماسی چندجانبه برای رسیدن به نتایجی که بیان‌کننده، توافق

عمومی شرکت‌کنندگان است، بدون توسل به رأی‌گیری.

بالاخره تصمیم گرفتند که اکثریت آراء کشورهای عضو را در ارکان سازمان ملل متحد بجز در مورد شورای امنیت که درباره آن ترتیب خاص ملحوظ شد، ملاک تصمیم‌گیری این سازمان قرار دهند البته چنین مزیتی اعضای دائمی شورای امنیت را از قدرت ویژه‌ای برخوردار می‌سازد بنحوی که میتوانند از هر اقدامی بر علیه منافع خود یا هم‌پیمانان خویش جلوگیری نمایند.

هنگامیکه منشور ملل متحد به تصویب رسید قدرتهای بزرگ سهم عمده پیروزی در جنگ را از آن خود دانسته و مدعی رهبری جهان بودند و در آن شرایط خاص که حاکم برجامعه بین‌المللی بود سایر کشورهای جهان با قبول «حق وتو» برای اعضای دائمی شورای امنیت بر برتری این کشورها و قبول مسئولیت از جانب آنها برای حفظ و نگهداری صلح بین‌المللی، صحه گذاشتند. البته سایر امضاءکنندگان منشور ملل متحد تصور نمی‌کردند که اعضای دائمی شورای امنیت از این حق ممتاز سوءاستفاده نمایند و این حق عاملی برای فلج کردن شورای امنیت در مواقع بحرانی باشد.^(۱)

نظام حقوقی پیش‌بینی شده در منشور براین فرض استوار بود که میان قدرتهای بزرگ در مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتفاق آراء وجود داشته باشد تا در عمل صلح و امنیت بین‌المللی حفظ شود و شورای امنیت بتواند به وظایف خود (بخصوص موارد ذکر شده در فصل هفتم منشور) عمل نماید ولی با بروز جنگ سرد و اختلاف نظر بین اتحاد جماهیر شوروی از یک سو و ایالات متحده آمریکا و سایر قدرتهای غربی از سوی دیگر و نیز باتوجه به اختلاف نظرهای موجود بین چین و شوروی و چین و کشورهای غربی عملاً

(۱) - سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، ناصر ثقفی عامری - انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی چاپ اول صفحه ۲۲ تهران - ۱۳۷۰.

شورای امنیت تا سالها موفق نشد برای استفاده از نیروی نظامی و اعمال تحریمهای اقتصادی و سایر اقدامات ذکر شده در فصل هفتم منشور (که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است) اقدامی نماید و اگر هم اقداماتی صورت می‌گرفت بسیار بی‌رمق و غیرموثر بود و این امر باعث شد که سایر کشورهای جهان هرکدام به یکی از دو بلوک متمایل شده تا در صورت بروز بحران و مطرح شدن تخلفات آنها در شورای امنیت بتوانند از (حق وتو) حامی خود بهره‌مند شوند و دچار تنبیهات ذکر شده در منشور نشوند. به دنبال خاتمه جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق و تحولاتی که در روابط شرق و غرب پیش‌آمد، اقداماتی جهت حفظ صلح و جلوگیری از تجاوز در شورای امنیت صورت گرفت که مهمترین آن تصمیمات الزام‌آور شورای امنیت در مورد بحران کویت و دفع تجاوز عراق به خاک کویت قابل ذکر است.

در حال حاضر کشورهای نظیر ژاپن و آلمان که دارای قدرت صنعتی هستند و کشوری چون هند که از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان است خواستار عضویت دائم در شورای امنیت و برخورداری از حق وتو هستند و برای رسیدن به این هدف تلاش می‌نمایند و برخی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت از این خواسته‌ها حمایت می‌کنند. بدیهی است چنین کشورهایی به لحاظ قدرت صنعتی و اقتصادی بالا و نیز داشتن جمعیت زیاد خواهان سهمی از قدرت در اداره بحرانهای بین‌المللی هستند ولی برای رسیدن به این هدف نیاز به تغییر در منشور وجود دارد و لازم است اعضای دائمی شورای امنیت متفقاً با انجام تغییر در مقررات منشور موافقت نمایند.

اینکه در آینده چنین تغییراتی صورت خواهد گرفت یا نه بستگی به خواست و

اراده دو سوم اعضای مجمع عمومی دارد. ^(۱) یعنی رأی مثبت ۲/۳ اعضای مجمع عمومی باید کسب گردد و این اصلاحات باید توسط دو سوم اعضای ملل متحد که شامل کلیه اعضای دائمی شورای امنیت باشد برطبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

ماده ۱۰۹ منشور ملل متحد در مورد نحوه تشکیل و شرایط کنفرانس عمومی اعضای ملل متحد جهت تجدیدنظر در مقررات منشور می‌باشد، در بند ۲ ماده ۱۰۹ منشور آمده است.

«هر تغییری در این منشور که به موجب آرای دو سوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشد زمانی لازم‌الاجراء خواهد گردید که توسط ۲/۳ از اعضای ملل متحد که شامل تمام اعضای دائم شورای امنیت باشد برطبق مقررات قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.»

بدیهی است انجام توافق برای اصلاح و یا تغییر در مواد منشور به سادگی امکان‌پذیر نبوده و امکان اینکه ۵ عضو دائمی حاضر به قبول شرکای جدید در شورای امنیت باشند بسیار ضعیف بنظر می‌رسد.

۲- نظرات موافقان و مخالفان «حق وتو»

حق وتو هم دارای طرفداران و هم دارای مخالفانی جدی می‌باشد. طرفداران «حق وتو» معتقدند که این حق يك عامل ایجاد توازن در روابط بین‌المللی بوده و نهایتاً از بروز جنگ بین قدرتهای بزرگ جلوگیری می‌کند و نیز در قبال تصمیمات مجمع عمومی که در آن کلیه کشورها از يك حق رأی برخوردارند يك حق ویژه

(۱) - ماده ۱۰۸ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد: اصلاحاتی که در این منشور به عمل آید زمانی برای تمام اعضای ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که به موجب رأی دو سوم اعضای مجمع عمومی مورد قبول قرار گیرد و توسط دو سوم اعضای ملل متحد که شامل کلیه اعضای دائم شورای امنیت باشد برطبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

برای قدرتهای بزرگ است یعنی رأی براساس قدرت، از طرف دیگر حق وتو مانع اجرای وظایف شورای امنیت نمی‌شود، چه اگر حق وتو وجود نداشت قدرتهای بزرگ دارای آن توان و نیرو هستند که هر تصمیمی را که علیه آنها اتخاذ شود بی‌اثر نمایند و وجود حق وتو برای آنها عاملیست جهت ادامه عضویت آنها در سازمان ملل متحد. چرا که اگر این حق ویژه برای آنها موجود نباشد ممکن است این کشورها از سازمان ملل متحد خارج شوند و دیگر توجهی به تصمیمات این سازمان ننموده و باعث بروز بحران در عرصه بین‌المللی شوند نظیر همان اتفاقی که در جامعه ملل رخ داد. عامل اصلی عدم موفقیت جامعه ملل عدم عضویت آمریکا در این جامعه، اخراج شوروی از جامعه به لحاظ تجاوز نظامی به فنلاند و خروج ژاپن و ایتالیا از جامعه ملل بود. پس بهتر است برای جلوگیری از وقوع چنین رویدادهایی در سازمان ملل متحد این امتیاز برای قدرتهای بزرگ باشد تا با حضور خود در سازمان ملل متحد، در راستای اهداف این سازمان حرکت نمایند.

از طرف دیگر کشورهای ضعیف و کوچک از وجود «حق وتو» در مواردی که بین قدرتهای بزرگ اختلاف نظر ایجاد میشود بهره‌مند میشوند. در دوران جنگ سرد شوروی با استفاده از حق وتو مانع از تصویب قطعنامه‌هایی میشد که آمریکا و انگلیس برای تحت فشار قراردادن کشورهای کوچک مایل به تصویب آنها بودند. در جریان تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا پیش‌نویس قطعنامه‌ای را برای تحریم اقتصادی ایران در شورای امنیت مطرح نموده که با وتوی نماینده شوروی روبرو شد و این اقدام به نفع جمهوری نوپای ایران بود.

مخالفین «حق وتو» که اکثر آنها کشورهای جهان سوم هستند این حق ویژه را با اصل برابری کشورها در مجامع بین‌المللی در تضاد می‌دانند و معتقدند این

حق کارآیی شورای امنیت را کم می‌کند و بعنوان مثال به جریان مجارستان در سال ۱۹۵۶ و واقعه کانال سوئز در همان سال و مسئله افغانستان در ۱۹۷۹ و مسئله گرانادا در سال ۱۹۸۳ اشاره می‌کنند که در هر یک از این تنش‌های بین‌المللی که باعث تجاوز به حاکمیت کشورها شده بود شورای امنیت با وتوی هر یک از قدرتهای ذینفع عملاً کارآیی خود را از دست داد. (۱)

در جریان مداخله نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه پس از طرح شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا و صدور حکم محکومیت آمریکا از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت نیکاراگوئه براساس بند ۲ ماده ۹۴ منشور به شورای امنیت شکایت نموده و از شورای امنیت خواست که آمریکا را وادار به تمکین از رأی دیوان نماید ولی با وتوی آمریکا شکوائیه نیکاراگوئه بلااثر ماند. ماده ۹۴ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد:

«۱- هر عضو ملل متحد متعهد است در هر دعوایی که او طرف آن است از تصمیم دیوان تبعیت نماید.

۲- هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که برحسب رایی دیوان برعهده او گذارده شده است تخلف کند طرف دیگر میتواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه‌هایی نموده و یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد.»

در اینجا نکته ظریفی نهفته است از يك طرف منشور ملل متحد به دولت محکوم‌له حق داده که برای اجرای حکم به شورای امنیت شکایت نماید و شورا را مختار دانسته که هر تدبیری را که صلاح بدانند به کار بندد و از طرف دیگر به اعضای دائمی شورای امنیت حق داده که در صورت تمایل اقدامات شورای امنیت را

(۱)- ثقفی عامری - ناصر - همان منبع - صفحه ۲۷.

«وتو» نمایند و عملاً مراجعه محکوم‌له را به شورای امنیت بلااثر نمایند، لذا حق وتو در چنین حالتی مانع اجرای حکم دیوان می‌شود و به عبارت دیگر میزان نفوذ آرای دیوان بین‌المللی دادگستری علیه کشورهای دارای حق وتو به صفر می‌رسد و کشور محکوم‌له باید به فکر چاره‌ای دیگر برای احقاق حق خود باشد.^(۱)

۳- «حق وتو» عامل سلطه قدرتهای بزرگ

تدوین‌کنندگان منشور ملل متحد با ابداع حق وتو در منشور، شورای امنیت را در بست دراختیار دارندگان حق وتو قرار دادند. در طی مذاکراتی که در کمیسیونهای مختلف در هنگام تدوین منشور بعمل آمد و به این نکته توجه شده بود ولی وضعیت خاص حاکم بر جهان که ناشی از جنگ طولانی و عالمگیر دوم جهانی بود و فرصت کم بررسی و تدوین منشور مجالی برای این‌گونه بحث‌ها باقی نگذاشت. به‌رحال منشور تصویب و این حق ویژه مورد قبول همه کشورهای قرار گرفت. از هنگام تأسیس سازمان ملل متحد تاکنون ایالات متحده آمریکا و شوروی سابق در درجه اول و انگلستان و فرانسه و چین بارها از حق وتو استفاده کرده‌اند شوروی تا سال ۱۹۸۵ یعنی در طی چهار سال از زمان تأسیس سازمان ملل متحد یکصد و چهارده بار از حق وتو استفاده نمود. آمریکا در این فاصله ۳۹ بار، انگلستان ۲۰ مورد فرانسه ۱۵ مورد و چین سه مورد از حق وتو

(۱) - هنگامیکه محکوم‌علیه طوعاً رأی را اجرا ننماید ابراهای سیاسی، اقتصادی، حقوقی در اختیار کشور محکوم‌له است که احتمالاً محکوم‌علیه را وادار خواهد نمود که از رأی تمکین نماید. ضمانت اجراهای سیاسی که در اختیار محکوم‌له است مانند ضبط و مصادره اموال و دارائیهای دولت محکوم‌علیه تعلیق یا قطع روابط سیاسی، ایجاد ممنوعیت و یا محدودیت برای سفر اتباع کشور محکوم‌علیه و اخراج اتباع کشور محکوم‌علیه موضع‌گیریهای سیاسی مخالف در مجامع بین‌المللی و طرح مسئله عدم تمکین محکوم‌علیه در این مجامع، اقدامات حقوقی مانند مراجعه دولت محکوم‌له به دادگاههای داخلی خود و یا دادگاههای کشور ثالث و یا دادگاه کشور محکوم‌علیه بخواسته ضبط اموال و دارائیهای کشور محکوم‌علیه بعنوان اهرم فشار برای اجرای حکم، اقدامات اقتصادی از قبیل تحریم اقتصادی، عدم پرداخت بدهیهای خارجی به کشور محکوم‌علیه و نظایر آن.

استفاده نموده‌اند.^(۱) هدف این کشورها در استفاده از حق وتو حفظ وضع بحرانی موجود به نفع خودشان و دیکته کردن سیاست‌هایشان در عرصه بین‌المللی بوده است. هرگاه یکی از این کشورها مواجه با قطعنامه‌ای می‌شده که در صورت تصویب آنها را در وضعیت انفعالی قرار می‌داده در استفاده از وتو تردیدی بخود راه نمی‌داده‌اند.

شورای امنیت در مواجه با يك بحران بین‌المللی که صلح و امنیت جهان را به مخاطره می‌اندازد هم قانونگذار است و هم قاضی و مجری قانون به تعبیر دیگر این شورای امنیت است که تشخیص می‌دهد وضعیت ایجاد شده چیست؟ آیا لطمه‌ای به صلح و امنیت بین‌المللی وارد می‌سازد یا خیر و در موارد دیگر نظیر انتخاب دبیرکل و یا قبول عضو جدید بررسی می‌نماید، آیا فلان فرد برای دبیرکلی سازمان ملل متحد فرد مناسبی است یا نه؟ و یا قبول درخواست عضویت يك کشور که متقاضی عضویت در سازمان ملل متحد است با اهداف منشور ملل متحد سازگار است یا خیر و اساساً این متقاضی شرایط عضویت را دارد و می‌تواند به تکالیف يك عضو در چارچوب منشور عمل نماید یا خیر؟ پس از بررسی و یافتن پاسخ آنگاه تصمیم می‌گیرد که چه عملی باید انجام شود و نظر خود را با صدور قطعنامه و در مواردی با صدور توصیه‌نامه^(۲) به جهانیان اعلام می‌نماید، براساس ماده ۳۹ منشور، شورای امنیت قبل از هرگونه اقدام عملی در برخورد با بحران‌های بین‌المللی باید اطمینان حاصل نماید که صلح و امنیت بین‌المللی به مخاطره افتاده و یا عمل تجاوزکارانه‌ای در جهان صورت

(۱) - ناصر ثقفی عامری - همان منبع صفحه ۲۲.

(۲) - قطعنامه‌های شورای امنیت الزام‌آور بوده و مفاد آن باید توسط کلیه اعضای سازمان ملل متحد اجرا شود و در صورت عدم اجراء دارای ضمانت اجرایی می‌باشد ولی توصیه‌نامه‌های شورای امنیت فاقد ضمانت اجراء است و تسلیم به آن به حسن نیت کشور اجراکننده بستگی دارد.

گرفته است که این عمل مآلاً منجر به بروز بحرانی حاد و یا نبرد مسلحانه بین کشورها خواهد شد فلذا در ابتدای امر باید بحران یا تجاوز را بطور دقیق مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور شورای امنیت مانند يك دادگاه مسائل را مورد رسیدگی قرار داده و پس از تحقیق درخصوص مورد می‌تواند با استناد به مقررات فصل هفتم منشور برای جلوگیری از وخامت اوضاع تدبیری بیندیشد. درخصوص اینکه شورای امنیت برای انجام تحقیق باید رأی مثبت کلیه اعضای دائمی شورای امنیت را تحصیل نماید یا خیر دو نظریه موجود است:

عده‌ای عقیده دارند که برای انجام تحقیق اعضای دائمی شورای امنیت حق استفاده از وتورا ندارند و عده دیگر معتقدند که چون تحقیق از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد به همین جهت باید اتفاق نظر کلیه اعضای دائمی برای انجام تحقیق جلب شود.^(۱)

«... شورای امنیت در مقام حافظ نظم و امنیت بین‌المللی باید ابتدا نوع آفتی را که گریبانگیر جهان شده است معین کند، اما از آنجا که گاه پرداخت به بحران موجب تشدید آن میشود، این شورا باید قبل از هرچیز با صلاح‌دید اکثریت اعضای خود (دائم و غیردائم) مفید بودن تحقیق را تصویب کند و پس از آن در صورتی که کلیه اعضای دائم موافق بودند امر به تحقیق دهد. بنابراین مناسب بودن یا نبودن تحقیق مسأله‌ای است اساسی که شورای امنیت باید در اجرای ماده ۳۴^(۲) به آن توجه نماید...»^(۳)

(۱) - برای مطالعه بیشتر این موضوع به مقاله «شورای امنیت و صلح جهانی» نوشته دکتر هدایت‌الله فلسفی در مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی - شماره ۸ صفحات ۲۳ الی ۱۰۸ مراجعه فرمائید.
(۲) - ماده ۳۴ منشور مقرر میدارد: شورای امنیت میتواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به يك اصطکاک بین‌المللی گردد یا اختلافاتی ایجاد نماید مورد رسیدگی قرار دهد. بدین منظور که تعیین نماید آیا محتمل است ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد؟
(۳) - دکتر هدایت‌الله فلسفی - همان منبع صفحه ۵۲ - ۵۱.

شورای امنیت پس از اطمینان یافتن از وجود بحران و پس از روشن کردن ماهیت بحران مبادرت به صدور قطعنامه‌ای نموده و با توجه به شدت و ضعف بحران و عواقب آن یا طرفین را دعوت به آرامش نموده و یا اینکه اقدامات قهری^(۱) علیه یک یا هر دو طرف ایجادکننده بحران مقرر میدارد در اینجا است که شورای امنیت به عنوان حافظ نظم در برخورد با کشور ایجادکننده بحران روشهای متعددی را در پیش گرفته است بعنوان مثال در قضیه سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران، هنگامیکه بر اثر شکایت دولت ایران موضوع در شورای امنیت بررسی شد در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ با صدور قطعنامه‌ای که به اتفاق آراء تصویب شد شورای امنیت اندوه عمیق خود را از این موضوع ابراز نمود و کوچکترین اشاره‌ای به مقصر شناختن آمریکا در این قضیه ننمود چون در غیر اینصورت آمریکا با استفاده از حق وتو مانع از به تصویب رسانیدن این قطعنامه میشد. در حالیکه درخصوص برخورد با دولت لیبی در ماجرای خودداری لیبی از تحویل دادن دو تن از اتباع لیبائی که متهم به بمب‌گذاری در یک هواپیمای متعلق به خطوط هوایی انگلیس هستند، شورای امنیت تدابیر بسیار سختی اتخاذ نمود و با استفاده از اختیارات حاصله از ماده، ۴۱ منشور کلیه پروازهای هواپیماهای دول عضو مل متحد را به لیبی و نیز استفاده از فرودگاههای کشورهای عضو را برای فرود هواپیماهای لیبیائی ممنوع نمود و این تحریم فوراً بمرحله اجرا درآمد. آیا اگر لیبی مثل آمریکا از داشتن حق وتو برای عدم تصویب چنین قطعنامه‌ای برخوردار بود در استفاده از این حق تردید میکرد؟ در شرایط فعلی جهان و باتلاشی کشورهای بلوک شرق، ایالات متحده آمریکا از شورای امنیت و اقتداری

(۱) - اقدامات قهری در ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ذکر گردیده است مانند متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن دریایی - هوایی - پستی - تلگرافی - رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی و در نهایت توسل به نیروهای نظامی برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی.

که قطعنامه‌های آن به آمریکا می‌دهد نهایت استفاده را در چهارچوب سیاستهای خود می‌نماید: دخالت نظامی ایالات متحده آمریکا در هائیتی و رواندا و عراق عملاً نشان داد که تا زمانیکه سازمان ملل متحد فاقد یک نیروی آماده بین‌المللی برای مقابله با بحرانهای ایجاد شده در جهان باشد سوءاستفاده از قطعنامه‌های شورای امنیت توسط کشورهای دارای حق و تو بخصوص آمریکا ادامه خواهد داشت و این کشورها بمحض اینکه احساس نمایند تصویب قطعنامه‌ای به ضرر آنها و هم‌پیمانانشان خواهد بود با استفاده از وتو مانع تصویب چنین قطعنامه‌ای خواهند شد و به سلطه خود در جهان ادامه خواهند داد. آنچه که سازمان ملل متحد امروزه به آن نیاز دارد توانایی پاسخگویی سریع به وضعیت‌های بحرانی است و تا زمانیکه سازمان ملل متحد فاقد قوه اجرایی مستقلی باشد این توانایی را نخواهد یافت. استفاده سازمان ملل متحد از نیروهای چندملیتی همیشه برخلاف اهداف منشور صورت گرفته است. بحرانهایی که موجب تشکیل نیروهای چندملیتی گردید آنچنان توسط اعضای با نفوذ شورای امنیت مورد تفسیر قرار گرفت که در نهایت آن کشورها را وادار نمود شخصاً دست به سرکوب و کشتار مردم بی‌دفاع زنند که انتظار کمک از نیروهای ملل متحد را داشتند.

نتیجه:

حق و تو علیرغم مخالفت کشورهای عضو ملل متحد که فاقد این حق ویژه هستند وجود دارد. منشور ملل متحد برخلاف میثاق جامعه که قاعده اتفاق‌آراء را در رأی‌گیری و اتخاذ تصمیم مؤثر می‌داندست و با مخالفت حتی یک عضو نمی‌توانست تصمیمی اتخاذ نماید فقط در مسائل مهم و ماهوی طرح شده در شورای امنیت برای پنج کشور فاتح در جنگ دوم جهانی استثنائاً این امتیاز را قائل شد که با جلب رضایت آنها در مورد مسائل مربوط به صلح و امنیت

بین‌المللی و سایر مسائل مهم دیگر سازمان همچون انتخاب دبیرکل و پذیرش تقاضای عضویت و انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و ... تصمیم‌گیری بعمل آید زیرا این واقعیت برای کلیه کشورهای جهان محرز شده بود که با وجود مخالفت صریح و آشکار قدرتهای بزرگ رسیدن به یک توافق بین‌المللی مشکل و بلکه غیرممکن خواهد بود.

تجربه ناخوشایند جامعه ملل دیگر بار جایی برای تکرار نداشت. با وجود چنین امتیازی کشورهای جهان سوم باید هوشیارانه در روابط بین‌المللی و در عرصه سیاسی جهان حضور یابند چرا که نیک آگاهند در چنین شرایطی که بر جهان حکمفرماست و با پایان یافتن رقابت شرق و غرب و زمزمه نظم نوین جهانی هراقدام نابخردانه باعث وارد آمدن خسارات جبران‌ناپذیری بر آنها خواهد شد. در سالهای پایانی قرن حاضر و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم حقوق بین‌الملل علیرغم کاستی‌هایی که داشته است در موارد متعدد موفق شده است از ادامه بحرانها جلوگیری نموده و مسائل حاد بین‌المللی را حل نماید. کوشش کشورهای ضعیف باید در راستای تمرکز اندیشه‌ها و تلاشهایشان برای رسیدن به یک هدف مشترک باشد و در این راه باید اختلافات دست و پاگیر گذشته را کنار گذاشته و کوشش نمایند با معاضدت و همکاری یکدیگر در بهبود شرایط کلی حاکم بر روابط خود گام بردارند و جبهه واحدی بر علیه کلیه بی‌عدالتی‌هایی که ممکن است توسط کشورهای قدرتمند اعمال شود تشکیل دهند. بحث بر سر عادلانه بودن «حق وتو» یا غیرعادلانه بودن آن مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم را حل نمیکند چرا که اگر هوشمندی زمامداران این کشورها در عرصه بین‌المللی حفظ شود میتوانند از وجود تضادهای موجود در روابط بین‌المللی قوی استفاده نموده و زیر بار تحمیلات گوناگون آنها نروند و با تداوم تلاشهای خود برای همبستگی بین‌المللی، جهانی بدون بی‌عدالتی و جنگ را بوجود آورند.